

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۸، پیاپی ۱۴۸، تابستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۰۸-۱۸۳

سفارت در دوره تیموریان؛ تشریفات استقبال و بار یافتن سفرا^۱

میثم یاری مطلق^۲
محبوبه شرفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

چکیده

آداب و تشریفات سیاسی از مباحث بسیار مهم در امر سفارت است. پذیرش سفیر در هر دوره‌ای آداب و رسوم خاصی داشت که از باورها و اعتقادات حاکم بر دربار نشأت می‌گرفت. پژوهش حاضر به روش تاریخی، مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از آثار تاریخ‌نگارانه و منشآت دوره تیموریان، در پی پاسخ به این پرسش است که: سفارت و آداب استقبال و بار یافتن سفیران در عصر تیموریان چگونه و بر مبنای چه اصول و قواعدی بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود خصلت تهاجمی حاکمیت تیمور، او از کارکردهای تبادل سفیر غافل نبوده و سفارت‌های متعددی در زمان او و جانشینانش با اهداف متنوعی صورت گرفته است. از دیگر سو، آداب و تشریفات سفارت در دوره تیمور، متمایل به آداب مغولی بوده و به وسیله قانون یاسا حمایت می‌شد. در دوره شاهرخ، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، آداب و تشریفات سفارت به آداب ایرانی-اسلامی تمایل داشته است. شاهرخ قوانین یاسا در زمینه بار یافتن را از اعتبار انداخت. در تشریفات سفارت، آوردن هدیه برای خان و امرا تقریباً به صورت یک اصل ثابت بود و اگر سفیران هدیه به همراه نداشتند، در انجام مأموریت خود با مشکل روبه‌رو می‌شدند. امیران تیموری نیز اغلب به فرستادگان هدایایی می‌دادند. اسب، خلعت و زر یا پول، عنصر ثابت همه هدایا بوده

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.43622.2786

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.58.7.8

۲. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mmeysami70@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
sharaf48@yahoo.com

- مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «آداب و امور سفارت در تاریخ میانه ایران، از ایلخانان تا پایان دوره تیموریان» دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری در سال ۱۴۰۲ است.

است. سلاطینی چون شاهرخ، ابوسعید و حسین بایقرا، در مناسبات خود از کتاب نیز به عنوان هدیه استفاده می‌کردند تا ضمن هنردوست نشان دادن خود، هنر و خلاقیت درباریان خود در زمینه کتاب‌آرایی را به رخ بکشند. در این دوره، سفیران از مزایایی چون مصونیت سیاسی، برخورداری از معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات دیگری از جمله امکانات اقامتی، غذایی و چاپاری برخوردار بودند. پذیرش سفیر در این دوره مانند دوران مغول، در انحصار فرمانروا نبود. امیران تیموری از آداب و تشریفات سفارت، به عنوان ابزاری برای نشان دادن عظمت و شکوه قدرت خود بهره می‌بردند.

واژه‌های کلیدی: تیموریان، سفارت، سفیر، آداب و تشریفات باریابی

مقدمه

تیمور (۷۷۱-۸۰۷ق) توانست با به کارگیری سیاست نزدیکی و اتحاد با امیران قدرتمند و استفاده از تمام فرصت‌ها و ابزارها، پس از شکست دادن رقیبان، بر ماوراءالنهر تسلط یابد. وی سپس جنگ‌های پر دامنه‌ای را آغاز کرد که شامل سرزمین‌های ایران، مصر، اردوی زرین، هند و عثمانی بود. تیمور از زمانی که توانست بر ماوراءالنهر مسلط شود تا آنگاه که در راه فتح چین در اترار از دنیا رفت، تقریباً همیشه در حال حمله به دیگر کشورها بود. با وجود این خصلت تهاجمی، او از کارکردهای تبادل سفیر غافل نبود و سفارت‌های متعددی، چه در زمان او و چه در زمان جانشینان وی، با اهداف متنوع صورت گرفت.

هر حکومتی در زمینه پذیرش سفیر دارای اصول، آداب و تشریفات خاص خود بود که این اصول باید توسط سفیر و همراهان محترم شمرده می‌شد. مغول‌ها نیز دارای آداب خاص خود در زمینه پذیرش سفیر بودند که سخت از طریق قانون یاسا حمایت می‌شد.

فرمانروایان مغول از عناصر تشریفاتی مشخص و برآمده از رفتارهای کوچ‌روانه خاصی پیروی می‌کردند؛ از جمله آنکه تشریفات شمنی خاصی برای دور نگهداشتن فرمانروا از هر گونه خطر از جانب فرستادگان خارجی طراحی شده بود. یکی از این رسوم، استفاده از آتش یا دود به عنوان پاکیزه‌کننده بود که سفیران همراه با هدیه‌هایشان می‌بایست برای زدودن سموم و افسون‌ها، از بین دو آتش بگذرند (کارپن، ۱۳۶۳: ۴۱؛ برادبریج، ۱۳۹۹: ۵۰). دیدار رسمی با فرمانروایان مغول مبتنی بر رسوم نمادین سخت‌گیرانه‌ای بود که به سفیران نسبت به نادیده گرفتن آنها هشدار داده می‌شد. اگر پذیرش در یک خیمه مغولی (گر) برگزار می‌شد، سفیران می‌بایست بدون پا گذاشتن بر آستانه در، وارد شوند؛ وگرنه در خطر مرگی وحشتناک قرار می‌گرفتند. این مرگ عبارت از زنده به گور شدن در زیر خیمه بود (برادبریج، همان، ۵۰-۵۱). بارخواهان پیش از آنکه کلامی به خان بگویند، مقرر بود که زانو بزنند (لمب، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۸۵

هنگام زانو زدن دو نفر مأمور بودند که وقتی خان به سفیر اجازه بلند شدن و نزدیک شدن را داد، زیر بازوی او را بگیرند و نزدیک خان ببرند. این نگهبانان همراه آنان تا محضر خان می‌رفتند (اشپولر، ۱۳۵۱: ۳۶۶).

در این دوره سفیر هنگامی که وارد قلمرو مغول می‌شد، مهمان خان مغول به حساب می‌آمد. از وظایف میزبان، اعطای تدارکات روزانه، از قبیل غذا و نوشیدنی به مهمانان سفارت هنگام حضور در قلمرو او بود. این وظیفه برعهده مردم مناطقی بود که سفر از آن عبور می‌کردند (کارپن، ۱۳۶۳: ۵۹؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۲۸۸). تا رسیدن سفرا به مقصد، یام‌ها^۱ موظف بودند اسب‌های تازه‌نفس و مناسب با محیط جغرافیایی را در اختیار آنها قرار دهند (کارپن، همان، ۹۵). در صورت نیاز به اسب تازه‌نفس، نزدیک‌ترین اسب بدون توجه به اینکه متعلق به چه کسی است، به فرمان خان می‌بایست در اختیار آنها قرار بگیرد (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۴۶/۲؛ هال، ۱۳۹۹: ۵۴). با رسیدن به دربار، برای سفیر چادر و محل اقامت و جیره غذایی در نظر گرفته می‌شد. کسی که می‌خواست به حضور خان برسد، قبلاً باید اجازه می‌گرفت (کارپن، ۱۳۶۳: ۹۸). از جمله سنت‌های مغول این بود که فرستادگان دست‌خالی به حضور نرسند و هدایای ارزنده و گران‌بها تقدیم کنند (ساندرز، ۱۳۶۳: ۹۶؛ ویلتس، ۱۳۵۳: ۸۷).

سفر در دوره مغول این مزیت را داشتند که جشن‌های بزرگی توسط خان و شاهزادگان، امرا و بانوان درباری برای آنها تدارک دیده می‌شد؛ همچنین اگر قوریلتایی در مدت حضور آنان برپا می‌شد، آنها نیز دعوت می‌شدند (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸: ۴/۴۷۵؛ القاشانی، ۱۳۴۸: ۴۹، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۷۵؛ مارکوپولو، ۱۳۹۶: ۳۷). از دیگر مزایا می‌توان به معافیت مالیاتی اشاره کرد که برای سفیران در نظر گرفته شده بود.

در این مقاله سعی شده است با مروری بر مسئله سفارت در عصر تیموری، آداب و آیین ورود، اسکان، پذیرایی و بازگشت سفیر، با بهره‌گیری از آثار تاریخ‌نگاران، منشآت و سفرنامه‌های دوره تیموریان مورد مطالعه قرار گیرد.

اسناد دولتی، منشآت و مکاتبات سلاطین از مهم‌ترین منابع تاریخی هر عصری به شمار می‌آید. نسخه‌های خطی سرچشمه و گنجینه ثبت آرای متفکران گذشته، ابزار تولید علم و نشان‌دهنده پیشینه فرهنگ و تمدن ملل و از مهم‌ترین منابع اطلاع تاریخی است (حسن‌زاده و

۱. محلی که در آن اسب‌های تازنفس را برای پیک‌ها و سفرایی که به نقاط دیگر می‌رفتند، نگهداری می‌کردند. یام واژه‌ای مغولی به معنی نگهبان کاروانسرا است. معانی دیگر آن قاصد، ایستگاه پست و اسب ایستگاه پستی است (آکرتسی، ۱۳۹۷: ۷۶).

تفضلی شاد پور، ۱۳۹۲: ۹۰). دوره تیموری به لحاظ دارا بودن این آثار، از عصرهای مهم تاریخ ایران است. از جمله این آثار می‌توان به *منشأ الانشاء* خوافی، *منشآت* خواجه عبدالله مروارید، *منشآت* اسفزاری، *منشآت السلاطین فریدون‌بیگ*، *فرائد غیائی* و نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، *نظیر مکاتبات تاریخی گورکانیان*، *منشآت و مکاتیب*، *مجمع الانشاء و ترسل معین‌الدین اسفزاری* اشاره کرد. آثار یادشده اطلاعات گران‌بهایی درباره موضوع سفارت، به‌ویژه در زمینه اهداف و مقاصد سفارت‌ها و جایگاه سیاسی سفرای اعزامی دارند، اما اطلاعات آنها در زمینه آداب و تشریفات سفارت محدود است و جز چند مورد مختصر، داده‌ای در بر ندارند. همچنین در منابع این دوره، به‌ویژه *سفرنامه کلاویخو* و همچنین *خاطرات اسقف سلطانیه* درباره تیمور که توسط «مارسل بریون» در ضمیمه کتاب *منم تیمور جهان‌گشا* به چاپ رسیده، جزئیات مراسم بار یافتن نزد تیمور به خوبی بیان شده است. البته در مورد شاهرخ و جانشینانش، سایر منابع به کلیات اکتفا کرده و جزئیات زیادی را مطرح نکرده‌اند.

بنا بر پیشینه تحقیق، آثاری که درباره تاریخ ایران در دوره تیموریان نگاشته شده، در هر یک اشاراتی گذرا به موضوع مورد نظر شده است؛ از جمله این آثار می‌توان به کتاب *تاریخ ایران دوره تیموریان*، پژوهش *دانشگاه کمبریج* اشاره کرد. کتاب *پادشاهی و ایدئولوژی در دنیای اسلامی-مغولی*، اثر آن. اف. برادبریج که در آن نویسنده، ایدئولوژی‌های اصلی پادشاهی را آن‌طور که در مناسبات سیاسی میان مملوکان و مغولان و جانشینان ایلخانان و تیمور ابراز می‌شد، مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله «روابط تیموریان و چین در نیمه اول قرن نهم هجری» نوشته مسعود بیات که در آن به روابط ایران و چین در عهد تیمور، شاهرخ و بررسی علل کاهش روابط ایران و چین بعد از شاهرخ پرداخته شده است. در مقاله «بررسی روابط خارجی ایران در دوره حکومت تیموریان» نوشته مسعود محمدی نیز به بررسی روابط خارجی ایران در عهد حکومت تیموریان با چین، هند، مغولان و خانان جغتای، عثمانی و آق‌قویونلوها، اروپا و دربار ممالیک پرداخته شده است. فیض‌الله بوشاسب و صادق کریمی در مقاله «بررسی روابط سیاسی ایران و چین در عهد تیموریان» به روابط ایران و چین در عهد مغول، تیمور، شاهرخ و دیگر جانشینان شاهرخ پرداخته‌اند. می‌توان به کتاب *مبانی، چارچوب‌ها و الگوهای سفارتی و مکاتباتی در ایران عصر صفوی* نوشته عبدالله متولی^۱ نیز

۱. عبدالله متولی (۱۳۹۶)، *مبانی، چارچوب‌ها و الگوهای سفارتی و مکاتباتی در ایران عصر صفوی*، اراک: دانشگاه اراک.

اشاره کرد. در این اثر به مسئله سفارت و شرایط و ویژگی‌های آن در دوره صفویه پرداخته شده، اما به عنوان الگو مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است. گفتنی است وجه تمایز این مقاله با تحقیقات یادشده، علاوه بر پرداختن اختصاصی به مسئله سفارت، بهره گرفتن از منابع و آثار تاریخ‌نگارانه در کنار منشآت و مکاتیب دوره مورد پژوهش است.

مراد از آداب و تشریفات در پژوهش حاضر، قوانین، رسوم و سنت‌هایی است که در مراسم درباری عصر تیموری، هنگام بار یافتن سفرا رعایت می‌شد. بار در اصل به معنی «اجازه» در مراسم به تخت نشستن و پذیرفتن اشخاص است. این مراسم دارای آدابی است که در هر دوره‌ای برگرفته از سنت‌ها و رسوم و فرهنگ آن زمانه است. در حقیقت، آداب و تشریفات بار یافتن را باید مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتاری در جشن‌ها، سوگواری‌ها، احترامات تشریفاتی، پذیرایی‌های دیپلماتیک، عناوین و القاب رسمی دانست که درباره سفرا و مأموران سرزمینی در سرزمین دیگر به اجرا درمی‌آمد.

۱. سفارت در دوره تیموریان

پادشاهان از طریق تبادل سفیر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند. سفیر با توجه به مسئولیت مهمی که برعهده داشت، می‌بایست به ویژگی‌هایی که لازمه موفقیت در این مسئولیت بود، آراسته باشد. بدین روی، با توجه به آثار و منابع این دوره، می‌توان درباره اعزام سفیر از سوی امیران تیموری به دربار سایر حاکمیت‌ها، به ویژگی‌های عمومی که لازمه انجام امر سفارت بود، پی برد. یکی از این ویژگی‌ها، زبان‌آوری و سخنوری است. وجود عباراتی چون «چرب‌زبان و شیرین‌سخن» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۴۶/۶) و «سفیران سخنران نکته‌دان» (تاج‌السلمانی، ۱۳۹۳: ۲۰۲) در توصیف سفیران، نشان‌دهنده اهمیت این ویژگی است. سفیر می‌بایست امین و صادق بوده باشد. در منابع این دوره، با عباراتی چون «مورد اعتماد» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۶/۲۲۳) و «در زمره معتمدان خاص» (اسفزاری، ۱۳۹۸: ۱۴۹؛ مؤید ثابتی، ۱۳۴۶: ۳۹۸-۳۹۹)، به دارا بودن این ویژگی توسط سفرای اعزامی اشاره شده است.

از دیگر ویژگی‌های ضروری سفیر، زیرکی و کاردانی او بوده است. در متون و آثار تاریخی دوره تیموریان، سفیران را با عبارتهایی چون «فرزانه عصر» بودن (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۶۸۹/۲-۶۹۰) و «از مردم عاقل‌کاردیده» بودن (شامی، ۱۳۶۳: ۲۳۱) توصیف کرده‌اند. باتجربه بودن و آشنایی او با آداب سفارت، از دیگر ویژگی‌های ضروری سفیر بوده است. در آثار و منابع دوره تیموری بر جایگاه اجتماعی ویژه سفیر تأکید شده است؛ از جمله در وصف سفیر از عبارتهایی چون خواجه فلان «به علو نسب و سمو حسب اعتصاف داشت» (خواندمیر،

۱۳۸۰: ۴/۹۱) و یا «اعیان حضرت و مشاهیر» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۶۸) یاد کرده‌اند. از دیگر ویژگی‌ها می‌توان به شجاعت، صبر و شکیبایی اشاره کرد.

مطالعات نشان می‌دهد که سیاست حکومت تیموری در مناسبات سیاسی با دیگر سرزمین‌ها، شامل دو رویکرد بوده است. رویکرد نخست که در زمان تیمور دنبال شد، رویکردی تهاجمی و آمرانه به شمار می‌رفت و در صورت تبادل سفیر، این امر گونه‌ای تعیین تکلیف و بر پایه توسعه ارضی، پرداخت باج، اظهار ایللی و ضرب سکه بود. البته این بدان معنا نیست که این شیوه در همه موارد صدق می‌کرد، بلکه تیمور در ارتباط با سلطان برقوق، سیاست دوستانه، با وجوه فرهنگی و اقتصادی را جایگزین سیاست آمرانه کرده بود. رویکرد دوم که در زمان شاهرخ (حک: ۸۰۷-۸۵۰ق) و دیگر جانشینان وی اعمال می‌شد، مناسبات دوستانه با ابعاد اقتصادی-فرهنگی بود. البته جنبه آمرانه سیاست نیز در جای خود کاربرد داشت و مورد استفاده قرار می‌گرفت (محمدی، ۱۳۹۶: ۷۰۰-۷۰۱). دوران ابوسعید نیز در مناسبات خارجی دارای دو رویکرد بوده است. رویکرد اول که از زمان قدرت‌گیری وی تا زمان حیات ابوالقاسم بابر و همچنین صلح با جهانشاه بوده که رویکردی صلح‌طلبانه بوده، اما رویکرد دوم به‌ویژه پس از قتل «جهانشاه» در ارتباط با «اوزون‌حسن» رویکردی آمرانه و تهاجمی بوده است.

مناسبات خارجی دوران سلطان حسین بایقرا به‌خصوص در ارتباط با آق‌قویونلوها را می‌توان دوستانه و صلح‌طلبانه دانست. داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تبادل سفیر با حکومت‌های خارجی در دوره تیمور، با حکومت ممالیک و دربار عثمانی صورت گرفته است. از مسائل اصلی تیمور با دربار عثمانی پناهنده شدن «قرايوسف» و «احمد جلایر» به «بلدروم بایزید» بود که با توجه به این موضوع، عمده اهداف تبادل سفیر در دوره تیمور با عثمانی تا قبل از وقوع درگیری و جنگ، درخواست استرداد آنها و یا عدم پشتیبانی از آنها و دور کردنشان از منطقه بود (فریدون‌بک، ۱۲۷۵: ۱/۱۳۰-۱۳۱).

در دوران زمامداری تیمور سعی می‌شد در ارتباط با سرزمین‌های یادشده به‌ویژه ممالیک، سفرا از میان مسلمانان و طبقات مذهبی انتخاب شوند؛ چنان‌که تیمور نزد سلطان برقوق (۷۸۴-۸۰۱ق) «شیخ ساوه‌ای» را فرستاد (فریدون‌بک، همان، ۱۲۹؛ نوایی، ۱۳۴۱: ۱۰۷)؛ یا «مولانا بدرالدین احمد» فرزند «شیخ شمس‌الدین محمد جزری» را به نزد سلطان فرج (حک: ۸۰۱-۸۱۵ق) فرستاد و خواستار ایللی شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۹۳۷-۹۳۸).

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد تهاجمی و آمرانه تیمور در تبادل سفیر به سبب درخواست وی در بیشتر سفارت‌ها برای اظهار ایللی از سوی آنان بوده است. در حقیقت، اظهار

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۸۹

تابعیت را مقدم بر جنگ با آنان قرار می‌داد. این امر گونه‌ای تعیین تکلیف بر پایه توسعه ارضی از طریق اظهار ایل بود. برای نمونه، تیمور در جریان یورش پنج‌ساله، سفیری نزد «سید کمال‌الدین» در استرآباد و مازندران برای ایل فرستاد و سید کمال‌الدین اظهار ایل کرد. بنا بر روایت منابع، وی بعد از مدتی تغییر عقیده داد و تصمیم به مقاومت گرفت. تیمور بار دیگر فرزندش سید غیاث‌الدین را برای نصیحت نزد او فرستاد (سمرقندی، همان، ۶۵۳؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۰۵/۶).

در دوره شاهرخ، عمده تمرکز وی با توجه به اوضاع پریشان پس از مرگ تیمور، تحت کنترل درآوردن رقیبان تیموری خود بود و بر همین اساس، تبادل سفیر در این چارچوب صورت می‌گرفت.

هم‌زمان با رقابت‌های شاهزادگان تیموری برای به دست گرفتن قدرت، «قرايوسف ترکمان» از این اوضاع استفاده کرد و با شکست دادن امرای تیموری، توانست بر قلمرو غربی تیموری مسلط شود. این مسئله باعث شد قرايوسف نیز در زمره مقاصد سفارت‌های بعدی شاهرخ قرار بگیرد؛ گرچه که این سفارت‌ها نتیجه نداد و با جنگ پایان یافت.

عمده سفارت‌های خارجی شاهرخ، با توجه به رویکرد مذهبی و شریعت‌مدارانه وی، ارتباط با ممالیک با هدف کسب مشروعیت دینی بوده است. بر این اساس، سفرا بدون توجه به روابط میان آنها، اغلب از میان طبقات مذهبی انتخاب می‌شدند. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین اهداف سفارت، جامه پوشاندن کعبه از سوی شاهرخ بوده است که در برخی موارد با مقاومت و سرسختی ممالیک مصر روبه‌رو می‌شد. برای نمونه، هنگامی که «اشرف برسبای» (حک: ۸۲۵-۸۴۱) بر دربار ممالیک مسلط شد، تعدادی نامه میان او و شاهرخ رد و بدل گردید که از خواسته‌های اصلی شاهرخ، جامه پوشاندن قسمت درونی کعبه بود که با مخالفت برسبای همراه شد (الشریده، ۱۳۸۴: ۱۲۲). شاهرخ بار دیگر نامه‌ای با مضمون جامه پوشاندن خانه کعبه و زیارت قدس و انتقاد از عملکرد برسبای، توسط «سید شریف تاج‌الدین علی شیرازی» که از اشراف شیراز بود، به قاهره فرستاد (ابن تغری بردی، ۱۹۶۲: ۲۰۱-۲۰۰/۱۴، ۲۴۵). پس از مخالفت‌های برسبای برای جامه پوشاندن کعبه، شاهرخ از خواسته قبلی خود فزاتر رفت. او خلعت و نامه‌ای توسط شیخ صفا فرستاد و از برسبای خواست که خود را نماینده شاهرخ بداند و به نام او سکه بزند و خطبه بخواند (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۶: ۲۸۲/۷-۲۸۳؛ ابن تغری بردی، ۱۹۶۲: ۲۴۵/۱۴، ۲۵۶-۲۵۷).

با روی کار آمدن «چقماق» (حک: ۸۴۲-۸۵۷) -پس از برسبای- نیز سفارت‌هایی بین آنها مبادله شد. در سفارت‌های یادشده نیز سفرا از طبقه روحانی و به منظور جامه پوشاندن کعبه

۱۹۰ / سفارت در دوره تیموریان؛ تشریفات استقبال و بار یافتن سفرا / یاری مطلق و ...

بوده است؛ چنان‌که شاهرخ یک بار «مولانا مبارکشاه پروانچی» را مأمور کرد تا به همراه سفیر مملوک به سفارت نزد وی برود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۸۷/۲؛ فصیح خوافی، ۱۳۸۶: ۱۱۴۹/۳؛ روملو، ۱۳۴۹: ۲۴۱). البته گاهی جایگاه دینی سفرا مانع از برخورد سخت دربار پذیرنده با آنها نمی‌شد؛ چنان‌که شیخ ساوه‌ای که از طرف تیمور به سفارت نزد برقوق رفته بود، به قتل رسید (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۴۰/۱؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۳۵۴/۶-۳۵۵؛ مقریزی، ۱۹۵۶-۱۹۷۳: ۷۹۷/۳؛ دین‌پرست، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳).

در شرایط جنگی، در صورت تبادل سفیر، سفیر از میان امیران و فرماندهان نظامی انتخاب می‌شد تا علاوه بر انجام سفارت، به‌طور پنهانی توانمندی جنگی میزبان را ارزیابی کند. البته این امر به صورت مطلق نبود و به‌هنگام درگیری‌ها، گاهی سفیر از طبقات مذهبی که گاه شغل دیوانی نیز داشت، انتخاب می‌شد. در برخی مواقع نسبت‌های فامیلی و بومی بودن، به علت آشنایی با خلق و خوی حاکم پذیرنده و همچنین ترس از خطراتی که سفیر را تهدید می‌کرد، یکی از ملاک‌هایی بود که در تعیین سفیر ارسالی مؤثر بود. برای نمونه، در جریان حمله شاهرخ به سیستان، او «پهلوان شمس» و دیگر معارف سیستان را که در قلعه فراه تسلیم او شده بودند، خلعت پوشانید و به رسم رسالت پیش «شاه قطب‌الدین» فرستاد و او را به ایلی فرا خواند (میرخواند، ۱۳۳۹: ۵۸۵/۶؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۴۱۸). شاهرخ در مسئله شورش اسکندر میرزا در اصفهان و فارس، مولانا غیاث‌الدین سمنانی را به نزد اسکندر فرستاد و خواستار صلح و پایان ترمز شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۹۵/۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۵۴۰/۳-۵۴۱؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۶۱۸/۶).

به‌نظر می‌رسد محترم‌ترین قشر جمعیت بومی، متشکل از اعضای جامعه مذهبی بود که تعدادی از آنها پیروان بسیاری در میان مردم داشتند.

پیروی از الگوی یادشده پس از فوت شاهرخ و بی‌نظمی بعد از آن، در زمان سایر جانشینان وی نیز دیده می‌شود. به‌هنگام اختلاف و درگیری میان سلطان محمد و جهان‌شاه (۸۴۱-۸۷۲)، گوهرشاد آغا «مولانا یعقوب» را که پروانچی شاهرخ‌میرزا بود، به رسالت پیش جهان‌شاه فرستاد (طهرانی، ۱۳۵۶: ۲۹۶).

گاه رسم بر این بود که حاکمان در گرفتاری‌های بزرگ، مادرانشان را برای عادی‌سازی روابط به عنوان میانجی سفیر می‌فرستادند. برای نمونه، در هنگام حمله تیمور به قلعه آونیک، «مصر خواجه» مادر خود را با تحفه‌های خوب فرستاد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۰۱/۱-۷۰۲؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۲۳۹/۶-۲۴۰؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۸۴۶/۷-۴۸۴۷)؛ همچنین در دوره «شاهرخ» که دستور حرکت لشکر به سمت کرمان (سلطان اویس) را صادر کرد، شاهد سفر

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۹۱

مادر سلطان اویس نزد شاهرخ و ایفای نقش میانجی سفیر برای عفو فرزند و عادی سازی روابط میان آنها هستیم (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۲۸/۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۱۹/۴). بنا بر روایت سمرقندی، در زمان سلطان ابوسعید (حک: ۸۵۵-۸۷۳ق) نیز «سید ابراهیم قمی» به اتفاق «مهدعلیا» مادر سلطان ابوسعید، برای صلح به اردوی اوزون حسن رفتند، اما سفارت نتیجه ای نداد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۸۸/۲-۹۸۹).

۲. آداب پذیرش و بار یافتن سفیران در دربار

پذیرش سفیران حکومت های دیگر، در کنار فرستادن سفیر، از عوامل مهم در توسعه روابط سیاسی و دیپلماتیک میان حکومت ها محسوب می شود. از مباحث بسیار مهم در امر سفارت، آداب و تشریفات سیاسی، پذیرش و بار یافتن سفراست که در هر دوره ای از آداب و رسومی پیروی می کند و عموماً متأثر از باورها و اعتقادات حاکم بر آن دربار است. در عصر تیموریان نیز در زمینه پذیرش و بار یافتن سفیر، آداب و تشریفات خاصی رعایت می شد که در پژوهش حاضر تلاش شده است این آداب و تشریفات بیان شود.

۲-۱. تأمین ضروریات سفیر طی مسیر سفارت

ورود سفیر به سرزمین تیموری، نیازمند داشتن اجازه سفر بود. این کار با فرستادن قاصدانی به دربار، برای دریافت اجازه سفر از سرحدات تیموری صورت می گرفت. با موافقت دربار، برای آنها نشان هایی صادر می شد که به منزله گذرنامه بود و با این نشان ها امکان استفاده از امکانات و علوفه و یام های حکومتی برای سفرا فراهم می شد (سمرقندی، همان، ۵۷۱-۵۷۲). از سرحد قلمرو تیموری برای آنها نگهبانانی در نظر می گرفتند که هم محافظ و مسئول جانشان و هم راهنمای آنها در طول مسیر بودند.

هنگامی که سفیر وارد خاک تیموریان می شد، مهمان خان خوانده می شد. از وظایف میزبان اعطای تدارکات روزانه، از قبیل غذا و نوشیدنی به مهمانان بود. این وظیفه در دوره تیموریان - مانند دوره مغول و ایلخانی - برعهده مردم سرزمین هایی بود که سفرا از آنها عبور می کردند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۳۵، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۷۵). چه بسا حاکم آنها را به صرف غذا به منزل خود می برد. در ضمن، مردم محلی - همانند دوره مغول (همدانی، ۱۳۷۳: ۱۴۴۷/۲) - علاوه بر وظیفه تأمین مایحتاج، وظیفه نگهداری و محافظت از اسبها و وسایل سفیران را هنگام شب برعهده داشتند.

در طول مسیر نیز سفرا از امتیاز استفاده از اسب های تازه نفس برخوردار بودند. در قلمرو

تیمور چاپارخانه‌های متعددی وجود داشت. اسب‌های این چاپارخانه‌ها در مواقعی که سفیری به دربار تیموری می‌رفت و یا از دربار تیموری به سفارت به مناطق دیگر می‌رفت، مورد استفاده آنها قرار می‌گرفت. این قانون در طول دوران تیموری دوام داشت و اجرا می‌شد و باعث ایجاد زحمت برای مسافران و مردم می‌شد. در دو نامه از سلطان بایقرا (حک: ۸۷۳-۹۱۱ق) که برای دو نفر صادر کرده و نشان‌دهنده مسافرت آنان است، از مأموران چاپاری و دولتی خواسته شده است این قانون را در مورد صاحبان نامه‌ها و افراد آنها اجرا نکنند. در نشانی که برای «سید رضی‌الدین کربلایی» -که عازم سفر حج بود- صادر شد، خواسته شده بود «ایلچیان و یامچیان و لشکریان و راهداران و حافظان ثغور و ضابطان حدود و مستحفظان مسالک و معابر مانع و مزاحم نشوند و چهارپایان او را الاغ نگیرند» (اسفزاری، ۱۳۹۸: ۸۹). در نشانی دیگر که برای شخصی به نام «مولانا سیفی» صادر شده است، خواسته شده بود «حکام و داروغگان و مستحفظان مسالک و مراحل و ایلچیان و آینده و رونده و غیرذلک... چهارپایان او و مردم او را الاغ نگیرند» (عبدالله مروارید کرمانی، ۱۳۹۸: ۱۵۱-۱۵۲).

بیشتر حاکمان برای افزودن شأن و منزلت خود، در شهرهای طول مسیر دستور می‌دادند با برپایی جشن، از سفرا استقبال کنند؛ به طوری که تیمور هنگامی که کلاویخو و سفرای مصر در راه دربار او بودند، چند نفر مأمور ویژه را پیش آنها فرستاد تا از کیفیت پذیرایی و در اختیار گذاشتن اسب یام از آنها پرسش کنند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۸۲، ۲۰۸-۲۰۹). همچنین تیمور هنگامی که سفیری از جانب پادشاهی بزرگ و دوست نزد او می‌آمد، به بعضی از حکام شهرها دستور می‌داد از آنها پذیرایی شایسته به عمل آورند و نیز دستور می‌داد که در هر شهر به آنها اسبی بدهند یا به نیابت از او، سفیر را خلعت بپوشانند و این خلعت پوشانیدن نشانه احترام تیمور به شخص پادشاهی بود که این سفرا را فرستاده بود. «رسم بر این جاری است که در این گونه موارد آن کس که از جانب تیمور در پوشانیدن خلعت نیابت دارد، ضیافتی باشکوه به راه اندازد و چون از سفره برخاستند، خلعت را بر مهمان بپوشاند و مهمان نیز برای نمودن مراتب سپاسگزاری سه بار بر زمین زانو زند» (کلاویخو، همان، ۱۸۳).

شاهرخ نیز هنگامی که اطلاع یافت سفیر مصر به هرات نزدیک است «یکی از مقربان را به رسم استقبال فرستاد و فرمان داد که در هر ولایت شرایط خدمت به جا آورند» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۱۵/۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۸۵/۲).

۲-۲. آداب مهمان‌داری و پذیرایی

برای اقامت سفیر در دربار، محلی را آماده می‌کردند و غالباً محل اقامت آنها در دوران تیموری

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۹۳

باغ‌های امرا بود. مأموران عالی‌رتبه‌ای را در طول دوران اقامت برای تأمین وسایل رفاهی و راهنمایی و هدایت سفیر در نظر می‌گرفتند تا ضمن تهیه ضروریات، بر نحوه خدمتگزاری و حفاظت از آنها نظارت کند. مأمور عالی‌رتبه امیر سفیر را در جلسات دربار و مهمانی‌های عمومی به حضور امیر می‌برد و او را در کمال احترام در محل و جایگاه مناسب می‌نشانند. کوچک‌ترین کوتاهی در انجام وظیفه خدمت به سفیر، امیر را آزرده می‌ساخت (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۸۰). معمولاً برای اغلب هیئت‌های سفارتی باریافته به دربار تیموریان، برنامه‌های سرگرم‌کننده در نظر گرفته می‌شد. علاوه بر وجه سرگرم‌کنندگی، «تشریفات نمایشی برای مهم‌تر و بزرگ‌تر نشان دادن موقعیت دارنده قدرت و بیشتر کردن نفوذ وی بود» (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۰۱).

این برنامه‌ها شامل مهمانی‌های متعددی می‌شد که به افتخار حضور سفرا توسط پادشاه، شاهزادگان، بانوان دربار و امرای تیموری برپا می‌شد. این سفرا همچنین در جشن‌ها، بازی‌ها، مهمانی‌های شکار یا جشن‌های خانوادگی و جشن‌های عروسی شاهزادگان تیموری حضور می‌یافتند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱ / ۹۰۳؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۶ / ۳۹۸، ۴۷۶-۴۷۹؛ حافظ ابرو، ۱۳۲۸: ۲۱-۲۳). سفرایی که در دربار تیمور بودند، هنگامی که سفیری جدید وارد می‌شد، به مراسم باریابی او نیز دعوت می‌شدند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۳۶).

تیمور همچنین برخی سفیران را برای دیدن طرح‌های معماری که نشانگر عظمت او و خاندانش بود، می‌فرستاد (میرخواند، ۱۳۳۹: ۶ / ۴۷۶). سفرا این امکان را داشتند که با اجازه سلطان، از دیگر شهرها نیز بازدید کنند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲ / ۴۸۷). همچنین برای تأثیرگذاری بر سفیر، ثروت خود را به رخ می‌کشیدند. شیخ نورالدین که در جریان یورش پنج‌ساله، به ضبط اموال فارس مأمور شده بود، هنگامی که دربار تیمور رسید که ایلچیان جته^۱ و ازبک نیز حضور داشتند. به گفته سمرقندی، آن اموال را از صبح که سلطان و الشمس از افق مشرق طالع گشت تا آن زمان که فروغ نور جهانگیرش بر وسط السما ساطع شد در حضور سفرا بر تیمور عرضه کردند (همو، همان، ۱ / ۷۴۵-۷۴۶، ۹۰۳). یا برای نشان دادن قدرت شاهانه خود، گناهکاران را چه از طبقات بالای دربار و چه عامه مردم، در حضور سفیر مجازات می‌کردند

۱. چنگیز قبل از مرگش فتوحاتش را بین فرزندان خود تقسیم کرد که در این بین سهم جغتای ممالک ایغور یعنی بلاد ترکستان از حد ختای تا ماوراءالنهر و حدود جیحون بود. خان‌نشین جغتای در آشوبی که پس از خلع یکی از خان‌های این الوس روی داد، در سال ۷۳۴ به دو بخش تقسیم شد. بخش شرقی که تحت حاکمیت مغولان بود، به جته و قسمت غربی که بخش اصلی آن سرزمین ماوراءالنهر بود، به الوس جغتای معروف شد.

(کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۴۹-۲۵۱).

گفتنی است امیران تیموری گاه به سبب ناخرسندی و رنجشی که از سلطان یا حاکمی داشتند، هدایای او را نمی‌پذیرفتند. برای نمونه، تیمور ایلچی نزد بایزید فرستاد و درخواست کرد تا قلعه کماخ را به کارگزاران تیموری برگرداند. تیمور به مدت دو ماه منتظر ماند، اما خبری از سفیرش نشد؛ به همین دلیل به فتح قلعه کماخ اقدام کرد و آن را به تصرف درآورد. بعد از این فتح، سفیر اعزامی او به همراه سفرای بایزید آمدند. جواب بایزید مطلوب نظر تیمور نیفتاد و هدایای او را که چند جانور شکاری و ده سر اسب بود، نپذیرفت و رد کرد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۱۰/۱).

گاهی فرستادگانی که فرستنده آنها در شرایط دشمنی قرار داشت، ممکن بود مجبور به پیوستن به نمایش‌های نظامی باشد؛ چنان‌که سفیران بایزید که قبل از حمله تیمور به روم آمده بودند، مجبور شدند در صحرای «سیواس» از جلوی صف نظامیان که در صفوف منظم و مجهز به همه ابزارهای جنگی بودند، عبور کنند (میرخواند، ۱۳۳۹: ۶/۶). همچنین گاهی در معرض اعمال وحشتناکی قرار می‌گرفتند. برای نمونه، هنگامی که سفیر اوزون‌حسن در صحرای میانه به اردوی ابوسعید رسید، پس از دو روز اجازه بار صادر شد. با ورود سفیر به اردو، جمعی را به شکلی خاص درآوردند و گفتند که آنها آدمی خوارند و در پیش سفیر شخصی را به آنها دادند و آن شخص را کشتند و پاره‌پاره کردند و گفتند که می‌خوریم. همچنین اسب‌هایی را که سفیر از طرف اوزون‌حسن آورده بود، در پیش چشم سفیر رسانیدند (طهرانی، ۱۳۵۶: ۴۷۳-۴۷۴؛ روملو، ۱۳۴۹: ۴۷۶) و یا در معرض اعمال تنبیهی و تحقیر قرار می‌گرفتند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۲۶؛ بیات، ۱۳۸۹: ۳۰؛ بوشاسب و کریمی، ۱۳۹۶: ۶).

به نظر می‌رسد این مبالغه در پذیرایی و مهمان‌داری از سفرا، دو هدف داشته است. نخست گرامی داشتن سفرا بدان سبب که نماینده فرستنده خود بوده‌اند و هدف دوم این بود که می‌خواستند با مبالغه در مهمان‌داری، عظمت و بزرگواری و شأن و قدرت خود را به رخ سفرا بکشند تا هنگام بازگشت، آنچه را دیده و شنیده‌اند، به شهریاران خود باز گویند و ضمن بالا بردن مقام آنان نزد شهریاران خود، از قدرت آنان هراسی در دلشان پدید آید (ابن‌الفراء، ۱۳۶۳: ۱۶۲).

۲-۳. امتیازات و معافیت‌ها

از مزایایی که سفیران در تمام ادوار تاریخی از آن بهره‌مند بودند، مصونیت جان سفیر است. گرچه در موارد نادری این مصونیت زیر پا گذاشته می‌شد، ولی این امتیاز یک اصل تثبیت‌شده

در روابط بین حکومت‌ها بود. پایبندی به اصل یادشده، در میان تیموریان نیز مورد احترام بود. آنها در برخورد با سفرا سعی می‌کردند حرمت جان سفیر حفظ شود. تیمور در برخورد با سخنان نسنجیده سفیر مصر، به او گفته بود: «اگر نه شیوه پادشاهان پیشین بودی که فرستادگان را نیازاندی، هر آینه آنچه را که شایسته آنی با تو روا می‌داشتم» (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۱۶۱). البته مواردی دیده می‌شود که این اصل نادیده گرفته می‌شد و سفیر به قتل می‌رسید. این شرایط با محتوا، مضمون، پیام و اهدافی که سفیر به دنبال آن بود، ارتباط داشت.

هنگام بازگشت سفرا، به آنها نشان‌ها و نامه‌هایی داده می‌شد که مجوز عبور و بهره‌گرفتن از امکانات چپاری و معافیت‌هایی بود که برای سفرا در نظر گرفته شده بود. یکی از این نامه‌ها که در سفارش دو تن از سفرای هندوستان از طرف سلطان حسین بایقرا صادر شده بود، به این شرح است که: «می‌باید که در آن موضوع نزول ایشان را موجب اعزاز مبذول داشته باج و تمغا که بر مقتضی شریعت بیضا در جمیع ممالک محروسه لوح احوال و اموال خلایق را از لوٹ مطالبه آن معرفی گردانیده‌ایم نستانند و به جهت سوغات و سلامانه و تحمیلات دیوانی طمع و توقع نکنند و مستحفظان طرق به شلتاق راهداری مزاحم ایشان نشوند و اسباب و اسبان که همراه داشته باشند به سلامت گذرانیده مانع نگردند و داروغگان و مواضع از منازل مخوفه مساعدت کرده به مأمین رسانند و اگر چیزی از اموال و جهات ایشان غایب گردد به احضار آن غایب اهتمام مرعی دارند و جماعت قوشچیان و ایلچیان و یامچیان و غیرهم چهارپایان مشارالیهان و متعلقان به حکم و بی حکم اولاغ نگیرند و شکر شکایت ایشان را در همه ابواب مشمر و مؤثر شناسند درین باب تقصیر نمایند» (خوافی، ۱۳۵۷: ۱ / ۱۸۴-۱۸۵).

۲-۴. آداب بار یافتن در دربار تیموری

با رسیدن سفیر به پایتخت، آنها را به مکانی که برای اقامت آنها در نظر گرفته بودند، راهنمایی می‌کردند. سفیران پس از رسیدن به پایتخت و اردو، چند روز می‌ماندند تا به آنها اجازه بار داده می‌شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۴۰/۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۰۴/۴). پیشکش‌هایی که به تیمور تقدیم می‌شد، باید سه روز تحت بازرسی می‌ماندند. «این از رسوم و عادات وی است که هیچ پیشکشی را نپذیرد مگر آنکه سه روز تحت بازرسی مانده باشد» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۲۹).

در روز شرفیابی کلاویخو، در بیرون قصر عده‌ای از ملازمان تیمور، او و همراهانش را از اسب فرود آوردند و هدایایی را که برای تیمور آورده بودند، از همراهانش گرفتند و آن هدایا را روی دو دست نهادند و با احترام جلو افتادند. بعد از بردن پیشکش‌ها، ملازمانی با گرفتن زیر بغل سفیران، آنها را به درب ورودی کاخ راهنمایی کردند. سفیر در آنجا توقف کرد تا

فرستاده‌ای گسیل شود و حضور او را اعلام کند. هیچ‌کس بدون اجازه بار، حق نداشت به محل خان نزدیک شود. یک بار که هیئت اسپانیایی بدون اجازه قبلی به امید بار یافتن به محل خان نزدیک شده بودند، حاجبان تیمور مهمان‌دار آنها را که سفیران را از این کار باز نداشته بود، چوب سختی زدند (کلاویخو، همان، ۲۲۲، ۲۸۰).

با صادر شدن اجازه بار، به نزدیک هر یک از سفیران دو تن از بزرگان می‌آمدند و زیر بازوی آنها را مانند پیش می‌گرفتند و راهنمایی می‌کردند. در دومین درب ورودی کاخ، سه نفر از شاهزاده‌ها نشسته بودند که نوه‌های تیمور بودند. در اینجا از سفرا درخواست می‌شد اگر نامه‌ای دارند تسلیم کنند تا توسط یکی از شاهزادگان به خدمت تیمور برده شود (بارتولد، ۱۳۳۶: ۷۹-۸۰).

پیش از بار یافتن نزد خان، به آنها آداب بار یافتن آموزش داده می‌شد (برایون، ۱۳۷۲: ۴۲۹). در بارگاه تیمور رسم زمین‌بوسی معمول نبود، بلکه بارخواه با دیدن خان می‌بایست در حالت دست به سینه، زانوی راست خود را بر زمین می‌نهاد و سپس گام به گام پیش می‌رفت و در طول راه سه بار این کار را تکرار می‌کرد. بار سوم در همان جا می‌ماند و کسانی که تا آنجا او را هدایت کرده بودند، به پشت دور می‌شدند. بارخواه در همان وضع می‌ماند تا خان به او دستور برخاستن می‌داد. وقتی بارخواه از جای برمی‌خاست، پیش خدمت‌های خاص پیش می‌آمدند و زیر بغل بارخواه را می‌گرفتند و او را تا نزدیکی خان می‌بردند و در آنجا بارخواه دوباره زانو بر زمین می‌زد و به همان وضع می‌ماند تا خان دوباره به او اجازه برخاستن بدهد (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۲۴).

گرفتن بغل بارخواه ضمن اینکه نشانه عالی‌ترین مراجع شاهانه بوده است، نوعی احتیاط در برابر سوءقصد احتمالی به جان امیر نیز بود. بعد از باریابی، نامه در صورت صلاحدید خان خوانده می‌شد، یا به زمان دیگری موکول می‌گردید. سپس به سفرا اجازه داده می‌شد درخواست و پیام‌هایی را که حامل آن بودند، بیان کنند. آنگاه به سفرا اجازه نشستن داده می‌شد و راهنمایان سفرا برای آنان جای تعیین می‌کردند. سپس پذیرایی صورت می‌گرفت. پذیرایی با گوشت گوسفند یا گوشت اسب انجام می‌گرفت. «هنگام صرف غذا در ظروف طلا به میهمانان آشامیدنی می‌دادند و تیمور لنگ و رجال دربار او از بین آشامیدنی‌ها فقط دوغ مادیان می‌نوشیدند» (برایون، ۱۳۷۲: ۴۳۲). با پایان یافتن پذیرایی، پیشکش‌ها از نظر خان گذرانده می‌شد و مراسم به پایان می‌رسید.

پذیرش سفیر در این دوره مانند دوران مغول، در انحصار فرمانروا نبود. سفرا در زمان ورود، به خدمت شاهزادگان تیموری و امرا نیز می‌رسیدند (میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۱۵/۶).

آداب و تشریفات ورود سفرا از مرز تا رسیدن به دربار شاهرخ، همان آدابی بود که در دوران تیمور مرسوم بود. در زمان شاهرخ -مانند دوران عباسی- رسم بر این بود که امرا به منظور استقبال و خوش آمدگویی سفیر، به بیرون شهر می‌رفتند و از آنها استقبال می‌کردند و با تکریم و اعزاز به شهر فرود می‌آوردند. پادشاه در آن روز به صنعتگران و هنرمندان شهر دستور می‌داد غایت هنر خود را ظاهر کنند و دکان خود را از بهترین و مرغوب‌ترین کالاها و محصول خود آراسته کنند. همچنین کوچه‌ها و محله‌هایی را که سفیر و همراهان او از آن عبور می‌کردند، به بهترین صورت بیاریند و تزئین کنند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۵۸/۲-۱۵۹). سپس آنها را به مکانی که برای اقامتشان در نظر گرفته بودند، راهنمایی می‌کردند تا استراحت کنند. غالباً محل اقامت آنها در دوران تیموری باغ‌های امرا بود. پس از آن در درون کاخ سلطنتی به خدمت سلطان می‌رسیدند و پس از آنکه هدایای خود را تقدیم می‌کردند، در مجلس می‌نشستند و مورد پذیرایی قرار می‌گرفتند. در آن روز پادشاه مهمانی می‌داد که در آن انواع غذاها را برای سفیر تدارک می‌دیدند (سمرقندی، همان، ۴۸۵). شاهزادگان تیموری در مدت حضور سفیر، برای او مهمانی‌های متعددی ترتیب می‌دادند و به سفیر هدایای زیادی از جمله لباس‌های فاخر و اسب اهدا می‌کردند. امرا نیز به سفرا مهمانی می‌دادند و هدیه‌های ارزانی می‌داشتند. سفرا هنگامی که می‌خواستند به کشور خود بازگردند، باز مورد عنایت پادشاه قرار می‌گرفتند و جشنی برای آنها ترتیب داده می‌شد. هنگام اجازه مرخصی سفیران حاکم بیجانگر، «هر یک را اسب و زین و دگله نوروژی و سه هزار دینار کپکی و ده نوکر ایشان را قبا و چهارصد دینار انعام عنایت فرمود و علوفه و اسب یام تا بندر هرزم مقرر شد» (همان، ۵۷۴).

در دوره شاهرخ و جانشینان وی، در مجالس پذیرایی از سفیران، به‌طور معمول از شخصیت‌های دینی و شیوخ نیز دعوت می‌کردند تا دین‌پروری خود را به رخ سفیران بکشند. در این مواقع سایر شخصیت‌های سرشناس و معتبر نیز دعوت می‌شدند (منز، ۱۳۹۲: ۳۲۷). سفیران معمولاً هفته‌ای دو بار به حضور امیران تیموری می‌رسیدند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۸۵/۲؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۵۲۲۷/۸).

در این مجالس، نوشیدن شراب که در مراسم‌ها و جشن‌های تیمور به مقدار زیاد مصرف می‌شد، در دوره شاهرخ -با توجه به سخت‌گیری او در زمینه امور مذهبی- ممنوع گردید (میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۱۷/۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۹۵/۲-۴۹۶؛ بارتولد، ۱۳۳۶: ۱۸۷). این مسئله در دربار جانشینان شاهرخ، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا نیز مرسوم نبوده است (خوافی، ۱۳۵۷: ۱/ ۱۶۴-۱۶۵؛ الهیاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸-۲۰).

زنان تیمور در مراسم باریابی آزادانه شرکت می‌کردند و گاهی حتی خود سفرا را بار

می‌دادند. به نظر می‌رسد در دوره شاهرخ با توجه به دین‌داری او، زنان در مراسم بار شرکت نمی‌کردند. همچنین به نظر می‌رسد شرکت زنان در جشن‌های مختلط که در آن به رقص و پایکوبی می‌پرداختند، در دوره شاهرخ، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا با توجه به محدودیت‌های احتمالی مطابق هنجارهای حاکم بر جامعه عصر آنها - برخلاف زمان تیمور و الغ بیگ که همچون جدش به یاسای چنگیز و آداب و رسوم مغولی بسیار پایبند بود و به احکام اسلام التزام کمتری داشت - چندان مرسوم نبود (بارتولد، ۱۳۷۶: ۲۵۹؛ تاریخ ایران (دوره تیموریان)، ۱۳۸۲: ۱۱۹؛ الهیاری و اعلامی زواره، ۱۳۹۵: ۲۷؛ لعل شاطری، ۱۳۹۷: ۸۱؛ الهیاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸).

۲-۵. بازگشت سفیر

اجازه بازگشت سفرا در دست سلطان بود و تا او اجازه نمی‌داد، حق ترک پایتخت را نداشتند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۹۶۱/۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳۸۸/۳). مراسم تودیع سفرا با برگزاری جشن و طوی پادشاهانه همراه بود. سفیر در این روز به محضر پادشاه بار می‌یافت و مورد لطف قرار می‌گرفت. در این مراسم، سفیر به دریافت خلعت و پول نقد و اسبان راهور مفتخر می‌شد. همچنین همراهان سفیر به دریافت پول نقد و جامه و اسب نائل می‌شدند. در پایان مراسم به آنها مکتوبی داده می‌شد که گذرنامه آنها محسوب می‌شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴۸۶/۲-۴۸۷، ۵۷۳-۵۷۴؛ میخواند، ۱۳۳۹: ۳۹۸/۶، ۷۱۵-۷۱۶).

کلاویخو در این مورد نوشته است که برای ما چهار گذرنامه کتبی و فرمان‌هایی از جانب حکومت برای چهار شهر عمده که بر سر راه ما بود، مبنی بر اینکه به مجرد وصول ما باید اسب در اختیار ما گذاشته شود، آوردند. برای بازگشت نیز همچون زمان ورود، یکی از بزرگان دربار را مأمور همراهی سفیر می‌کردند تا ضمن راهنمایی و مراقبت، جیره غذایی و اسبان لازم را برای آنها تأمین کند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۸۱-۲۸۲، ۳۲۲).

۲-۶. هدایا

فرستادن هدیه توسط امرا و حکام به دربار یکدیگر، در زمره ملزومات یک کار سفارتی بود. چه بسا همراه داشتن یا نداشتن هدیه، وسیله رسیدن به اهداف سفارت و یا دور ماندن از آن می‌شد. گاهی ارزش واقعی سفارت از نوع و میزان هدایا مورد سنجش قرار می‌گرفت. بنا به نظر کلاویخو، در دوره تیموری چه بسا سفیر را به این دلیل که با خود پیشکش نیاورده بود، بار نمی‌دادند (کلاویخو، همان، ۱۶۷، ۲۰۸-۲۰۹، ۳۲۲).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۱۹۹

تقدس عدد نُه در دوره تیموری مانند دوره مغولان رواج داشت. کلاویخو در این مورد نوشته است: «رسمی است جاری در دربار تیمور که هر چه که به او پیشکش می‌دهند باید به عدد نه باشد» (همان، ۲۴۴). ابن عربشاه نیز در این مورد روایت کرده است که: «مردم جغتای را عادت است که در تقدیم پیشکش از هر جنس عدد نه فراهم کنند و به حضرت برند تا بدین گونه آن کس را که هدیه برای اوست به مرتبتی بلند و مقامی ارجمند ستوده باشند» (ابن عربشاه، ۱۳۷۳: ۷۸).

عدد نُه در میان مغولان و اقوام ترک حرمت تمام داشت. علت این امر به درستی معلوم نیست. شیرین بیانی دلایلی را برای تقدس این عدد بیان کرده است؛ از جمله اینکه مغولان معتقد بودند اولاً خدای بزرگ هر چه را که آفریده، از عدد نُه تجاوز نکرده است. ثانیاً آسمان نُه طبقه داشته و پسران یا پیامبران خدای بزرگ نه تن بوده‌اند. ثالثاً تعداد اجداد چنگیزخان که دارای مقام الوهی و ریاست توأمان بوده‌اند، نه تن بوده است (بیانی، ۱۳۸۹: ۱۰/۱).

در منابع و آثار عصر تیموریان، به رعایت سنت «تقوز» (به معنای عدد نه با ضریب نه) در تقدیم هدایا به امیران تیموری اشاره شده است (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۸۰، ۶۳۵، ۵۴۲/۲؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۶/۱۸۵-۱۸۶، ۴۷۴؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۳۷؛ یزدی، ۱۳۳۶: ۱/۱۹۰، ۲۹۷، ۲۷۵/۲).

معمولاً انتقال هدایا در دربار تیموری چنان صورت می‌گرفت که شأن و عظمت پادشاه در انظار جلوه کند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۲۳، ۲۲۵-۲۲۹). گاه هدایای چند سفیر را در یک زمان با هم به نمایش می‌گذاشتند تا قدر و منزلت شاهان تیموری بر نمایندگان پادشاهان دوست و دشمن مشخص شود. گاهی نیز با بخشش هدایای دیگران، جلوه‌ای از سخاوت شاهانه خود را به نمایش می‌گذاشتند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۷۴۵-۷۴۶؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۶/۲۷۷-۲۷۸).

امیران تیموری اغلب به فرستادگان هدایایی می‌دادند؛ اسب، خلعت و زر یا پول پای ثابت همه هدایا بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۷۴۶، ۵۷۴/۲؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۶/۲۲۱، ۴۳۸ و ۵۹۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۳۸۸؛ میرآخورلو و شرفی، ۱۴۰۱: ۱۵۴). بنا بر روایت منابع، گاه کتاب‌های نفیس و ارزشمندی از سوی پادشاهان هدیه داده می‌شد؛ چنان‌که در تاریخ روابط تیموریان با دیگر حکومت‌ها، به دفعات دیده می‌شود که کتاب را به عنوان نفیس‌ترین و ارزشمندترین هدیه، به همراه سفیران و نمایندگان راهی می‌کردند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۷۷۴؛ روملو، ۱۳۴۹: ۳۵۳؛ غفاری قزوینی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۶؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۷/۲۸۴-۲۸۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۳۵۰-۳۵۱؛ نوایی، ۱۳۷۹: ۲۲۸).

نتیجه گیری

آداب و تشریفات سفارت، بسته به اینکه چه شخصیتی در رأس حاکمیت تیموریان قرار می گرفت، متغیر بود؛ به گونه ای که در زمان تیمور و الغ بیگ قوانین مغولی معتبر بود، اما در دوران سلاطینی چون شاهرخ، ابوسعید و حسین بایقرا، آداب ایرانی-اسلامی اعتبار داشته است.

در دوره تیموریان مانند دوره ایلخانی، مردم سرزمین هایی که سفرا از آن عبور می کردند، موظف بودند وسایل خوراکی و مورد نیاز هیئت ها را تأمین کنند. علاوه بر آن، یام ها می بایست اسب های مورد نیاز را در اختیار سفیر و همراهان قرار می دادند. همچنین از مرز تا هنگام رسیدن سفیران به دربار تیموریان، نگهبان و راهنما در اختیار هیئت ها قرار می گرفت. در این دوره مانند دوره ایلخانان، پذیرش و بار دادن سفیر در اختیار فرمانروا نبود و دیگر شاهزادگان و امیران نیز مجاز بودند سفیر را بپذیرند. رسم گرفتن بازوان سفیر هنگام باریابی که تقریباً در تمام دوران تاریخی صورت می گرفت، در دوره تیموریان تداوم یافت و حتی تا زمان صفوی پابرجا بود.

در دوره تیمور قوانین یاسا مورد احترام بود و با وجود ادعای مسلمانی، از قوانین یاسا استفاده می کردند. این رسم که سفرا هنگام باریابی موظف بودند در مقابل خان ایلخانی زانو بزنند (که معمولاً سه بار این کار را انجام می دادند)، در دوره تیمور ادامه یافت. در دوره تیمور، تطهیر سفیر و هدایا به وسیله آتش که در دوره ایلخانی نیز معتبر بود، صورت نمی گرفت، بلکه به جای آن هدایا تا سه روز تحت بازرسی قرار می گرفتند.

سفیران در این دوره مانند اکثر دوره های دیگر از مصونیت برخوردار بودند و به ندرت مصونیت جان سفرا زیر پا گذاشته می شد. آنها همچنین از امتیاز معافیت مالیاتی برخوردار بودند و هدیه ها و کالاهای آنها از پرداخت مالیات معاف بود.

آداب بار یافتن سفرا نزد شاهرخ براساس اصول اسلامی-ایرانی بود. او قوانین یاسا را در زمینه بار یافتن از اعتبار انداخت. در دوره او، زمانی که سفرا به نزدیکی پایتخت می رسیدند، امرا و اعیان به بیرون شهر می رفتند و از سفیر استقبال می کردند و آنها را با تکریم وارد شهر می کردند. هنرمندان و صنعتگران موظف بودند اوج هنر و خلاقیت خود را به کار گیرند و بهترین محصولات خود را در معرض نمایش قرار دهند. در مجالس پذیرایی از سفیران، از شخصیت های دینی و شیوخ نیز دعوت می کردند تا دین پروری خود را به رخ سفیران بکشند. به نظر می رسد برخلاف زمان تیمور، در دوره شاهرخ با توجه به سخت گیری او در زمینه امور مذهبی (تا آنجا که خود منزل شاهزادگان تیموری را مورد بازرسی قرار می داد و ظرف های

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۲۰۱

شراب شاهزادگان را از بین می‌برد)، شراب در مراسمات مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. حتی سلطان حسین بایقرا فرمانی مبنی بر منع باده‌نوشی صادر کرد. زنان تیمور در مراسم باریابی، آزادانه شرکت می‌کردند و گاهی حتی خود سفرا را بار می‌دادند. به نظر می‌رسد در دوره شاهرخ با توجه به دین‌داری او، زنان در مراسم بار شرکت نمی‌کردند. همچنین به نظر می‌رسد شرکت زنان در جشن‌های مختلط که در آن به رقص و پایکوبی می‌پرداختند، در دوره شاهرخ - برخلاف زمان تیمور و الغ‌بیگ - چندان مرسوم نبود.

در این دوره، آوردن هدیه برای خان و امرا تقریباً به صورت یک اصل ثابت درآمده بود و اگر سفیران هدیه به همراه نداشتند، در انجام مأموریت خود با مشکل روبه‌رو می‌شدند. امیران تیموری نیز اغلب به فرستادگان هدایایی می‌دادند. اسب، خلعت و زر یا پول، عنصر ثابت همه هدایا بود. سلاطینی چون شاهرخ، ابوسعید و حسین بایقرا، در مناسبات خود از کتاب نیز به عنوان هدیه استفاده می‌کردند تا ضمن هنردوست نشان‌دادن خود، هنر و خلاقیت درباریان خود در زمینه کتاب‌آرایی را به رخ بکشند.

در این دوره، سفیر برای بازگشت، تا زمانی که از امیران تیموری اجازه حاصل نمی‌کرد، نمی‌توانست دربار را ترک کند. برای بازگشت به آنها نامه‌هایی به عنوان گذرنامه می‌دادند که در آن توصیه و سفارش درباره سفیر و هیئت همراه شده بود تا مأموران در مسیر به آنها خدمت کنند و امتیازاتی را که سفیر از آن بهره‌مند بود، رعایت کنند.

منابع و مأخذ

آکرتسی، گریگور (۱۳۹۷)، *تاریخ تاتارها قوم تیرافکن (سده سیزدهم میلادی)*، تهران: نائیری.
ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۹۸۲)، *انباء الغمر فی ابناء العمر*، تحقیق حسن حبشی، ج ۷، بیروت: دار الکتب.

ابن عربشاه (۱۳۷۳)، *زندگی شگفت‌آور تیمور (ترجمه کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور)*، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.

ابن الفراء (۱۳۶۳)، *رسل الملوک (سفیران)*، مصحح و مؤلف: صلاح‌الدین منجد، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ابن تغری بردی، یوسف (۱۹۶۲)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۱۴، قاهره: طبعه وزارت الثقافة القاهرة.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴)، *مبانی سیاست*، ج ۱، تهران: انتشارات توس، چاپ دهم.
اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی (۱۳۹۸)، *منشآت اسفزاری*، تحقیق و تصحیح سید امیر جهادی حسینی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲۰۲ / سفارت در دوره تیموریان: تشریفات استقبال و بار یافتن سفرا / یاری مطلق و ...

اشپولر، برتولد (۱۳۵۱)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

الشریده، ایمن ابراهیم (۱۳۸۴)، *روابط سیاسی ایران عهد تیموریان با مصر و شامات عهد ممالیک*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، (۱۳۴۸)، *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

الهیاری، فریدون و زهرا اعلامی زواره (تابستان ۱۳۹۵)، «بررسی تکاپوهای مذهبی تیموریان (۷۷۱-۹۱۲ق)»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال ۲۶، شماره ۳۰، صص ۳۴-۵.

الهیاری، فریدون، معصومه سمائی دستجردی و وحید عابدین پور (تابستان ۱۳۸۹)، «سیاست قضایی سلاطین تیموری»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیستم، شماره ۶، صص ۱-۲۵.

بارتولد، واسیلی ولادیمیر (۱۳۳۶)، *الغریبگ و زمان وی*، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز: انتشارات کتاب فروشی چهر.

..... (۱۳۷۶)، *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی، تهران: انتشارات توس.

برادبریج، آن. اف. (۱۳۹۹)، *پادشاهی و ایدئولوژی در دنیای اسلامی-مغولی*، ترجمه جواد عباسی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

برایون، مارسل (۱۳۷۲)، *منم تیمور جهان‌گشا*، تهران: انتشارات کتابخانه مستوفی، چاپ چهاردهم. بوشاسب، فیض‌الله و صادق کریمی (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «بررسی روابط سیاسی ایران و چین در عهد تیموریان»، *دو فصلنامه پارسه*، سال هفدهم، شماره ۲۸، صص ۱-۱۳.

بیات، مسعود (زمستان ۱۳۸۹)، «روابط تیموریان و چین در نیمه اول قرن نهم هجری»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۵-۵۰.

بیانی، شیرین (۱۳۸۹)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم.

تاج‌السلمانی (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نامه (شمس‌الحسن)*، تحقیق، تعلیقات و تصحیح اکبر صبوری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

تاریخ ایران (دوره تیموریان) (۱۳۸۲)، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چاپ دوم.

تنوی، ملاحمد و آصف‌خان قزوینی (۱۳۸۲)، *تاریخ‌الغی*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۷، ۸، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰)، *زبدة التواریخ*، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سیدجوادی،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۲۰۳

ج ۳، ۴، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

..... (۱۳۲۸)، ذیل *ظفرنامه شامی*، با مقدمه و تصحیح بهمن کریمی، تهران: چاپخانه تابش.

حسن زاده، اسماعیل و مریم تفضلی شادپور (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «کاربرد مآخذ در تشخیص نسخه‌های اصل: با تکیه بر منابع تاریخی»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، س ۲۳، شماره ۱۱، صص ۸۹-۱۲۴.

خوافی (منشی)، ابوالقاسم شهاب‌الدین احمد (۱۳۵۷)، *منشأ الانشاء*، به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

خواندمیر (۱۳۸۰)، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، ج ۳، ۴، تهران: انتشارات خیام، چاپ چهارم.

دین‌پرست، ولی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، سال بیستم، شماره ۶، صص ۲۷-۴۸.

روملو، حسن بیگ (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ساندرز، ج. ج. (۱۳۶۳)، *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم. سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۱، ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، *ظفرنامه*، ویراسته احمد پناهی سمنانی، تهران: انتشارات بامداد. شبانکاره‌ای، محمد (۱۳۶۳)، *مجمع الانساب*، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر. طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶)، *تاریخ دیاربکریه*، به تصحیح نجاتی اوغال و فاروق سومر، تهران: کتابخانه طهوری، چاپ دوم.

عبدالله مروارید کرمانی، شهاب‌الدین (۱۳۹۸)، *منشآت عبدالله مروارید*، تصحیح دکتر اسراء احمدی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

غفاری قزوینی، احمد (۱۴۰۴ق)، *تاریخ نگارستان*، تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.

فریدون‌بک (۱۲۷۵ق)، *منشآت السلاطین*، ج ۱، تهران: [بی‌نا].

فصیح خوافی (۱۳۸۶)، *مجمعل فصیحی*، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، ج ۳، تهران: اساطیر. کارپن، پلان (۱۳۶۳)، *سفرنامه پلان کارپن*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: انتشارات یساولی. کلاویخو، روی گونسالس د. (۱۳۴۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۰۴ / سفارت در دوره تیموریان: تشریفات استقبال و بار یافتن سفرا / یاری مطلق و ...

لعل شاطری، مصطفی (پاییز ۱۳۹۷)، «فعالیت‌های عام‌المنفعه دربار سلطان حسین بایقرا در خراسان (۸۷۵-۹۱۱ق)؛ با تکیه بر متون تاریخی»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۲۸، شماره ۳۹، صص ۶۵-۸۶.

لمب، هارولد (۱۳۸۹)، چنگیزخان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم. مارکوپولو (۱۳۹۶)، سفرنامه مارکوپولو، برگردان آنجلا دی جوانی رومانو و سید منصور سجادی، تهران: انتشارات بوعلی، چاپ دوم.

محمدی، مسعود (۱۳۹۶)، «تاریخ روابط خارجی ایران در حکومت تیموریان»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی روان‌شناسی و علوم اجتماعی، صص ۶۹۹-۷۲۱.

مقریزی، احمد (۱۹۵۶-۱۹۷۳)، السلوک لمعرفة دول الملوك، تصحیح محمد محمد امین و سعید عاشور، ج ۳، قاهره: دار الکتب.

منز، بناتریس فوربز (۱۳۹۲)، قدرت، سیاست و مذهب در عصر تیموریان، ترجمه حسن اسدی، تهران: انتشارات مولی.

مؤید ثابتی، علی (۱۳۴۶)، اسناد و نامه‌های تاریخی، تهران: کتابخانه طهوری. میرآخوخلو، نسیرین و محبوبه شرفی (بهار ۱۴۰۱)، «نظام ضرب سکه و مبادلات پولی در دوره تیموریان (با تکیه بر قلمرو شرق ایران)»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال ۳۲، شماره ۵۳، صص ۱۵۱-۱۷۸.

میرخواند، میرمحمد (۱۳۳۹)، روضة الصفا، ج ۶، ۷، تهران: انتشارات کتابفروشی مرکزی خیام. نوایی، عبدالحسین (۱۳۴۱)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه‌عباس، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

..... (۱۳۷۹)، رجال کتاب حبیب السیر، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.

هال، مری (۱۳۹۹)، امپراتوری مغول، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دهم. همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳)، جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۲، تهران: نشر البرز.

واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، خلد برین (روضه ششم و هفتم)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.

وصاف الحضرة، فضل‌الله بن عبدالله شیرازی (۱۳۳۸)، تاریخ وصاف الحضرة، ج ۴، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.

ویلتس، دوراکه (۱۳۵۳)، سفیران پاپ به دربار خاندان مغول، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶)، ظفرنامه، تصحیح محمد عباسی، ج ۱، ۲، تهران: امیرکبیر.

List of sources with English handwriting

- Abdullah Morvarid Kermani, Shahab-oddin (1398/2019), Monšaāt Abdullah-e Morvarid's, Resercherd and Edited by Asraossadat Ahmadi,phd, Tehran:Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consulative Assembly (Maĵles-e Šorā-ye Eslāmi).
- Abolhamd, Abdolhamid (1384/2005), Principles of Politics, Volume 1, 10th Edition, Tehran: Tūs Publications. [In Persian]
- Al- Sharidah, Ayman Ebrahim (1384/2005), Political Relations of Iran in theTimurid Era with Egypt and Mamālīk Era Shamat, Tehran: Markaze Čāp va Entešārāt Vezārat-e Omūr-e Kāreĵe. [In Persian]
- Allahyari, Fereydoon, Samaei Dastjerdi, Masoomeh and Abedinpoor, Vahid (1389/2010), " Judicial policy of the Timurid sultans ", History of Islam and Iran, 20(6):1-26 (*In Persian with English abstract*)
- Allahyari, Fereydoon; Alami Zavareh, Zahra (1395/2016), Analizing Timurid,s (771- 912 BC.) religious approaches and the legitimacy of sovereignty. History Of Islam and Iran Quarterly. 26(30): 5-36 (*In Persian with English abstract*)
- Al-Qāšānī, Abu'lqāsem 'Abd allāh b. Moĥammad (1348/1969), Tārīk-e Ulĵāyту, ed. Mahin Hambeli, Tehran: Bongāh Tarĵome va Našre Ketāb. [In Persian]
- Asqalānī, Ibn Ĥajar (1982), Inba' ul-Ġomr bī Abna' ul-'Omar, research by Hassan Habashi, Beirut: Dār al-Kotob.
- Barthold (1376/1997), History of the Turks of Central Asia, translated by Ghafar Hosseini, Tehran: Tūs Publications. [In Persian]
- Bartold, Vasily (1336/ 1957), Oloĝ beġ and his time, translate by Hossein Ahmad pur, Tabriz, Publications by Kītab Forūšī-e čehr. [In Persian]
- Bayani, Shirin (1389/2010) Religion and government in Iran during the Mughal era, 4th edition, 1st volume, Tehran: . Markaze Našr-e Danešgāhī. [In Persian]
- Bayat, Masoud (1389/2011), "Timurian-China relations in the first half of the 9th century AH", History of Foreign Relations, Q. 12(45): 25-50: . (*In Persian with English abstract*)
- Brion, Marcel (1369/1990). Tamerlan presentation de tamerlan par marcel brion, 14th ed, Tehran: Ketābĵāne Mostūfi Publications , [In Persian]
- Broadbridge, Anne F (1399/2020), Kingship and Ideology in the Islamic and Mongol Worlds, translated by Javad Abbasi, Tehran: Islamic History Research Institute. [In Persian]
- Bushaseb, Feizullah and Sadegh Karimi (1396/2016), "Investigation of the political relations between Iran and China during the Timurid Era ", Journal of Parseh, n.28:1-13.
- Clavijo (1344/1965) Clavijo 's travelogue (Embassy to Tamerlane 1403-1406), translated by Masoud Rajabnia, Tehran: Bongāh Tarĵome va Našre Ketāb. [In Persian]
- Dinparast, V (1389/2010), "The Effects of Iranian Historiography in Ilkhanian and Timurids Eras on Ottomans Historiography", Historical Perspective & Historiography, 20(6): 27-48. (In Persian with English abstract)*
- Esfazari, Moin ul-din Mohammad Zemji (1398/2019), Monšaāt esfazārī, , Resercherd and Edited by Seyed Amir Jahadi Hosseini,phd, Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consulative Assembly (Maĵles-e Šorā-ye Eslāmi).
- Fašīh kāfi. (1386/2007). Moĵmal Fašīhī; Vol. 3. Edited by Naji Nasrabadi. Asāfir, Tehrān. (In Persian)
- Fereydon Bek (1275 A.H / 1858), Manšaāt ul-Salaṭīn, first volume, Tehran. [In Persian]
- Ghafari i Ahmad (1404 A.H /1983), Tārīk-e, Negārestān, revised and introduced by Morteza Modares Gilani, Tehran: Ĥafez bookstore. [In Persian]
- Ĥāfiĵ Abrū (1328/1949), Zeyl zafar nāme šāmī, introduction and correction by Bahman Karimi, Tehran: Čāpĵān-e Tābeš. [In Persian]

- Hāfiz Abrū (1380 /2000), *Zobdat ul-Tawārīkh*, edited by by Seyyed Kamal Haj Seyed Javadi, Vol. 3&4. Tehran: sāzmān Čāp va Enteshārāt. [In Persian]
- Hamedānī, kāje Rašīd ul-Dīn Faḡlullāh (1373/1994). *jāmī' ul-Tawārīkh*. corrected by Mohammad Roshan - Mustafa Mousavi, second volume. Tehran: Našr-e Alborz
- Hassanzadeh, Esmail, Tafazoli Shadpour, Maryam (1392/2013), " *The Usage of Sources in recognition of original Historical Documents* ", *Journal of Historical Perspective & Historiography*. 23(11) 89-124. (In Persian with English abstract)
- Hull, Mary (1399/2020), *The Mongol Empire*, translated by Nader Mirsaedi, 10th edition, Tehran: Qoqnūs Publication. [In Persian]
- Ibn al-Fara (1363/1984), *Rasūl ul-Molūk (Ambassadors)*, corrected and authored by Salah ul-Din Monjad, translated by Parviz Atabaki, Tehran: Sāzmāne Enteshārāt va Āmozeše Engēlābe Eslāmī. [In Persian]
- Ibn 'Arabšāh (1373/1994), 'Aǰāib ul-Maqdūr fī Aǰbār Teīmūr, translate by Mohamad Ali Nejati, fifth edition, Tehran: Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Ibn Taǰrī Bardī, Yūsūf (1962), *Al-Noǰūm ul-Zāhīra fī Molūk Mīšr wa al-Qāhīra*, Vol. 14. Cairo published by the Ministry of Culture Cairo.
- Kāndmīr, Ġiyāṭ ul-ddīn (1380 /2001), *Ḥabīb ul-sīyar fī Aǰbār Afrād-e Bašar*, edited by MoHammad Dabir Siyaqi, Vols. 3, 4, Tehran: kāyām. [In Persian]
- Karpen, Plan (1363/1984) *safarnameyeh Plan Karpen's*, translated by Valiullah Shadan, Tehran: Yesavali Publishing House. [In Persian]
- kāfī (monšī), Abū ul-Qāsem šahāb ul-Dīn (1357/1978): *Manša' ul-Inšā'*, first volume, edited by Rokn ul-Din Homayun Farrukh, Tehran, Dānišgāh Mellī-ye Iran. [In Persian]
- Lal Shateri, Mostafa (1397/2018), "Public Utility Activities of Court of Sultan Husayn Bayqara in Khorasan (1470-1505) (Relying on Historical Texts)", *History of Islam and Iran*, 28(39): 65-86. (In Persian with English abstract)
- Lamb, Harold (1389/2010) *Genghis Khan and the Mongol horde*, translated by Rashid Yasmi, second edition, Tehran: World of Books. [In Persian]
- Manz, Beatrice Forbes (1392/2013), *Power, Politics and Religion in Timurid Iran*, translated by Hassan Asadi, Tehran: Mūvalī Publications. [In Persian]
- Maqrīzī, Aḥmad b. 'Alī (1956-1973), *Al-Solūk Lī Ma'rīfa Dowal ul-Molūk*, revised by Mohammad Mohammad Amin and Saeed Ashour, Volume 3, Cairo.
- Marco Polo. (1396/2017). *The Travels of Marco Polo*, translated by Angela Di Giovanni Romano and Seyyed Mansour Sajjadi, second edition, Tehran: Bū'Alī Publications. [In Persian]
- Mirahkorloo, Nasrin, *Sharfi, Mahbobeh (1401/2022), " Coinage System and Money Exchanges in Timurid Dynasty (With an emphasis on the eastern territory of Iran)", Journal of History of Islam and Iran, 32(53): 151-179. (In Persian with English abstract)*
- Mīrkānd, M.Kh. (1339/1960). *Tārīk-e Rūdat ul-Šafā*. Vol.6&7. Khayām, Tehran. (In Persian)
- Mohammadi, Masoud (1395/2016), "History of Iran's foreign relations during Taymūrīd rule", 4th International Conference on Humanities psychology and socialscience, pp. 721-699, Barcelona, Spain.
- Muayyid sabitī, Ali (1346 /1967), *Historical Documents and Letters from early Islamic period towards the end of shah ismail safavis reign*, Tehran: Ketābkāne Ṭahūrī. [In Persian]
- Navaei, Abdul Hossein (1379/2000), *Rūjāl Kītāb Ḥabīb ul-sīyar*, 2nd edition, Tehran: Anjoman-e Āṭār va Mafaker-e farhangī [In Persian]
- Navaei, Abulhossein (1341 /1962), *Šāh 'Abbas, Majmū'a Asnād va Mokātebāt-e Tārīkī*. Tehran: Bongāh Tarjome va Našre Ketāb. [In Persian]
- Rūmlū, Hassan beig (1349/1970), *Aḥsan ul-Tawārīk*, by the efforts of Abulhossein Navaei, Tehran: Bongāh Tar Tarjome jome va Našre Ketāb. [In Persian]
- Šabānkāre'ī, Moḥammad (1363/1984), *Majma' ul-Ansāb*, ed. Mir Hashem Mohadeth, Tehran: Amīr Kabīr.[In Persian]

- Samarqandī, 'A. (1383 /2004). Maṭla' ul-Sa'deīn wa Maǧma' ul-Bahreīyn. 4 Volumes. 'A. Nawaī. (Editor). Tehran. Pazhūhishgāh-e 'Ulūm-e Ensānī va Moṭāle'āt Farhangī. (In Persian)
- Saunders, J.J. (1363/1984), History of the Mongol Conquests, translated by Abolqasem Halat, second edition, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Schuller, Berthold (1351/1972), History of the Mongols in Iran, translated by Mahmud Mirafshar, Tehran: Bongāh Tarjome va Našre Ketāb. [In Persian]
- Shāmī, N. (1363 /1984).. Zafar Nāmeḥ (Tārīkhi Futūḥāt-e Amīr Tiymūri Gūrkanī). Edited by Panahi Simnani. Tehrān: Bāmdād. (In Persian)
- Taj al-Salmani (1393/2014), Tārīk nameḥ (Shams al-Hassan), correction, research and notes by Akbar Sabouri, Tehran: Maǧmo'eh Enteshārāt Dr. Mahmud Afshar. [In Persian]
- Tatawī, Qāḍī Aḥmad wa Āṣif Khāni Qazwīnī (1382/2003). Tārīkhi Alfī. Bih Edited by Ghulam Reza Tabatabaei Majd. Vol 7&8. Tihran: Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī. [In Persian]
- Tehrani, Abu Bakr (1356/1977), Ketāb-e Dīārbakīā, edited by Nejat Logal, Faruq Sumer, Tehran: Ketābkāne Ṭahūrī. [In Persian]
- the Cambridge history of iran(the Timurid Periods) (1382/2003), translate by Yaqub Azhand, Tehran: Jāmī . [In Persian]
- Valeh Esfahani Qazvini, Mohammad Yusef (1379 /2000), Kold-e Barīn (Rawzah-ye Šišom va Haftom), edited by Mir Hashem Mohdith, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Vaṣṣāf al Ḥazrat. Fazlullah bin Abdullah Šīrāzī(1338/1959), Tārīk-e Vaṣṣāf, Tehran: Ketābkāne Ibn-e Sīna. [In Persian]
- Wilts, Durakeh (1353/1974), Papal Envoys To The Great Khans, translated by Masoud Rajabnia, Tehran: kwarazmī Publishing Company. [In Persian]
- Yazdī, š.'A. (1336/1957). Zafarnāmeḥ; Edited by Mohammad Abbasi. Tehran: Amīr Kabīr Vol. 1, 2. (In Persian)



Embassy in the Timurid period; The ceremonies of welcoming and Acceptance of ambassadors¹

Meysam Yarimotlagh²
Mahbobeh Sharafi³

Received: 2023/05/02

Accepted: 2023/07/20

Abstract

Political customs and ceremonies are one of the most important issues in the embassy area. The reception of the ambassador in each epoch had particular customs that originated from the beliefs and convictions of The rule of rulers. The present research was conducted using the historical method and is based on a descriptive-analytical approach that attempts to answer the question, "What were the embassy and the customs of receiving and meeting ambassadors in the Timurid period and on what principles and rules were they based?" using the historiographical works and buildings of the Timurid period. The results of the research show that Timur, despite his aggressive character, did not neglect the function of exchanging ambassadors and that many embassies were held in his time and under his successors with different purposes. On the other hand, the customs and ceremonies of embassy during Timur's time were based on Mongol customs and were supported by the Yasa law. During the period of Shahrukh, Abu Saeed and Sultan Hossein Baiqara, the customs and ceremonies of the embassy tended toward to Iranian-Islamic customs. Shah Rukh overruled Yasa laws in the area of greeting and acceptance. In embassy ceremonies, bringing gifts to Khans and nobles was almost an established principle, and if the ambassadors did not bring gifts, they had trouble fulfilling their mission. Timurid amirs also frequently presented gifts to the envoys. Horses, robes and gold or money were constant components of all gifts. Sultans such as Shahrukh, Abu Saeed and Sultan Husayn Bayqara used books as gifts in their relations. He not only showed himself as an art lover, but also the art and creativity of his courtiers in the field of book design. During this period, ambassadors enjoyed benefits such as political immunity, tax exemption, and other facilities, including lodging, meals, and transportation. Acceptance of the ambassador in this period was not the monopoly of the ruler like during the Mongol era. The Timurid amirs used the customs and ceremonies of the embassy as a tool to show the greatness and glory of their power.

Keywords: Timurians, embassy, ambassador, Acceptance Ceremonial and Etiquette.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.43622.2786

2. Ph.D student, Department of History, yadegar-e-imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mmeysami70@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, central Tehran branch, Islamic azad university, Tehran, Iran. (Corresponding author). Email: sharafi48@yahoo.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493